

هویت جهان اجتماعی: (Social World Identity)

منظور از هویت جهان اجتماعی، همان هویت فرهنگی جهان اجتماعی است. (هرگاه می‌گوییم هویت جهان اجتماعی، منظورمان هویت فرهنگی جهان اجتماعی است).

چگونگی شکل‌گیری هویت فرهنگی جهان اجتماعی:

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، بر اساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی، شکل می‌گیرد. شرط شکل‌گیری و تحقق هویت اجتماعی، پیدایش عقاید و ارزش‌های مشترک در میان مردم است. به عبارت دیگر، هرگاه عقاید و ارزش‌های اجتماعی از سوی مردم پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید آمده و محقق می‌شود.

رابطه متقابل هویت فرهنگی جهان اجتماعی و هویت اجتماعی افراد:

(هویت فرهنگی جهان اجتماعی و هویت اجتماعی افراد، مستقل از همدیگر نیستند بلکه تأثیر متقابل بر روی هم دارند).

تأثیرات هویت فرهنگی جهان اجتماعی بر هویت اجتماعی افراد: (تأثیرات هویت جامعه بر هویت افراد)

✓ هویت فرهنگی جهان اجتماعی؛ پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. در واقع؛ هویت اجتماعی افراد، در پرتو (بواسطه) هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر؛ هویت اجتماعی افراد در چارچوب هویت جامعه شکل می‌گیرد و محصول عضویت گروهی آنها در جامعه است (بعنوان مثال: دانش آموز بودن یک فرد، بعنوان یکی از ابعاد هویت اجتماعی او، محصول عضویت او در مدرسه است. یا شهری/روستایی/عشایری بودن یک فرد، محصول عضویت او در یک شهر/روستا/عشایر است).

✓ هویت فرهنگی جهان اجتماعی، از یکسو، فرصت شکل‌گیری برخی هویت‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، در برابر شکل‌گیری برخی دیگر از هویت‌های اجتماعی، مقاومت کرده و محدودیت ایجاد می‌کند.

نکته: معیار و ملاک هویت فرهنگی جهان اجتماعی در اعطای فرصت یا اعمال محدودیت و مقاومت در برابر شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی افراد؛ تناسب و هماهنگی این هویت‌های اجتماعی با باورها و ارزش‌های اجتماعی است.

هر جهان اجتماعی؛ بر اساس باورها و ارزش‌های خود، فرصت شکل‌گیری برخی هویت‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد و در برابر شکل‌گیری برخی دیگر از هویت‌های اجتماعی، اعمال محدودیت و مقاومت می‌کند.

تأثیرات هویت اجتماعی افراد بر هویت فرهنگی جهان اجتماعی: (تأثیرات افراد بر هویت جامعه)

✓ اعضای جامعه می‌توانند باعث دوام هویت فرهنگی جهان اجتماعی شوند. (اعضای جهان اجتماعی با پذیرش باورها و ارزش‌های اجتماعی و اهمیت قائل شدن به آنها، باعث دوام هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌شوند).

✓ اعضای جامعه، می‌توانند دوام هویت فرهنگی جهان اجتماعی را به چالش بکشانند. (هرگاه، اعضای جامعه، عقاید و ارزش‌های اجتماعی را نپذیرفته و برای آنها اهمیت و اعتبار قائل نشوند. دوام هویت فرهنگی با چالش مواجه می‌شود).

مثال از رابطه متقابل هویت فرهنگی جهان اجتماعی و هویت اجتماعی افراد (رابطه متقابل جامعه (نهادهای اجتماعی) و افراد):

هر جهان اجتماعی، بر اساس هویت فرهنگی خود (یعنی بر اساس باورها و ارزش های خود) نهادهای اجتماعی از جمله نهاد خانواده را شکل می دهد. و نهاد خانواده (یعنی؛ شیوه های قابل قبول مربوط به تشکیل خانواده) فرصت شکل گیری نوعی از خانواده ها را می دهد که متناسب با باورها و ارزش های اجتماعی باشند. و از شکل گیری خانواده ایی که متناسب با آنها نباشند، جلوگیری می کند. مانند: جلوگیری از شکل گیری خانواده های مبتنی بر ازدواج سفید در ایران. زیرا این نوع از خانواده با باورها ارزش های اجتماعی در ایران همخوانی و تناسب ندارد. (تأثیر هویت فرهنگی جهان اجتماعی بر هویت اجتماعی افراد). (هویت خانوادگی بخشی از هویت اجتماعی است).

در مقابل؛ افراد نیز با پذیرش و اهمیت قائل شدن به باورهای و ارزش های مرتبط با خانواده می توانند باعث بقاء و تداوم نهاد خانواده شوند و با عدم پذیرش و اعتبار قائل نشدن به این باورها و ارزش ها، نهاد خانواده را با چالش فروپاشی مواجه نماید.

نکته: دلیلی تفاوت شکل و کارکرد خانواده در جوامع مختلف، تفاوت باورها و ارزش های آن جوامع با یکدیگر است. هر جهان اجتماعی متناسب با باورها و ارزش های خود، نهاد خانواده و فرصت شکل گیری آشکال معینی از خانواده ها را می دهد.

هویت خانوادگی افراد ↔ خانواده ها ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

تحول فرهنگی (Cultural Change):

به تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می سازد و یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می کند؛ تحول فرهنگی می گویند. (تحول فرهنگی همان تحول هویت جهان اجتماعی است)

فرایند تحول فرهنگی: (مراحل تحول فرهنگی) (Stages of Cultural Change)

یک جهان اجتماعی به صورت تدریجی و پس از طی مراحل؛ دچار تحول فرهنگی می شود.

مرحله اول: (The First Stage)

تعارض فرهنگی (Cultural Conflict): (تناقض و مغایرت سبک زندگی افراد جامعه با باورها و ارزش های اجتماعی)

شرایطی که در آن، سبک زندگی افراد و گروه ها با عقاید و ارزش های اجتماعی تناقض و مغایرت دارد (همخوانی و تناسب ندارد) تعارض فرهنگی نشانگر؛ شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش های اجتماعی است. مثال هایی از تعارضات فرهنگی در ایران: مشروب خواری جوانان / روابط نامشروع دختر و پسر / پوشش نامناسب جوانان / افزایش طلاق / تأخیر در ازدواج / اختلاس / روزه خواری و

نکته: در تعارض فرهنگی، ناسازگاری فقط در سطح رفتارها (کنش ها) و هنجارهاست. به این معنی که اعضای جامعه، عقاید و ارزش های اجتماعی را قبول دارند؛ اما در عمل، کنش های ناسازگار و متناقض با آنها را انجام می دهند.

مرحله دوم : (Second Stage)

تزلزل فرهنگی (Cultural Instability) : (بی اعتبار شدن باورها و ارزش های اجتماعی)

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می دهد که عقاید، آرمان ها و ارزش های اساسی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می سازند. مورد تردید قرار می گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست می دهند.

نکته : در تزلزل فرهنگی؛ ناسازگاری در سطح باورها و ارزش هاست. به این معنی که ، باورها و ارزش های جامعه، اعتبار خود را از دست داده اند و افراد جامعه دیگر اعتقادی به آنها ندارند.

علت پیدایش تزلزل فرهنگی : در شرایطی که تعارض فرهنگی (شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش های جهان اجتماعی) تداوم می یابد و جهان اجتماعی نمی تواند کنش های اجتماعی را بر اساس فرهنگ خود سامان دهد. تزلزل فرهنگی، پدیدار می شود.

بنابراین، علت پیدایش تزلزل فرهنگی، تداوم تعارض فرهنگی و عدم توانایی جهان اجتماعی در ساماندهی کنش های اجتماعی بر اساس باورها و ارزش های اجتماعی است. (علت پیدایش تزلزل فرهنگی؛ ناکارآمد بودن نهادهای اجتماعی است که توان کنترل تعارض های اجتماعی را ندارند).

مقایسه تعارض فرهنگی با تزلزل فرهنگی

در وضعیت تعارض فرهنگی، اعضای جامعه؛ هر چند در عمل (در سطح رفتارها و هنجارها) رفتارهای مغایر و خلاف با باورها و ارزش ها انجام می دهند اما باورها و ارزش ها هنوز در جامعه اعتبار دارند و اعضای جامعه نیز آنها را محترم می شمارند. در حالیکه در وضعیت تزلزل فرهنگی؛ افراد نه تنها رفتارهای خلاف و متناقض با باورها و ارزش های انجام می دهند بلکه اعتقاد خود را نیز به باورها و ارزش ها از دست داده اند. به عبارت دیگر در وضعیت تزلزل فرهنگی، ناسازگاری ها از سطح رفتارها و هنجارها به سطح باورها و ارزش ها رسیده است

مرحله سوم : (Third Stage)

بحران هویت فرهنگی (Cultural Identity Crisis):

بحران هویت فرهنگی در شرایطی بوجود می آید که جهان اجتماعی، توانایی دفاع از عقاید و ارزش های اجتماعی خود را نداشته باشد. (جهان اجتماعی، توان دفاع از باورها و ارزش های خود در برابر تعارض های فرهنگی یا سبک های نامناسب زندگی را نداشته باشد)

اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید. راه برای دگرگونی هویتی یا تحول فرهنگی آن جهان اجتماعی، باز می شود.

مثال : تأخیر در ازدواج و افزایش و طلاق، نوعی تعارض فرهنگی است. اگر این روند کنترل نشود و تا جایی پیش برود که اعتبار نهاد خانواده نزد افراد جامعه از بین برود و اعضای جامعه انگیزه لازم و کافی برای تشکیل خانواده نداشته باشند و در عمل بسیاری زندگی مجردی را بر زندگی خانوادگی ترجیح بدهند. نوعی تزلزل فرهنگی بروز می کند. اگر در ادامه، نهاد خانواده و عقاید و ارزش های آن به گونه ای سست شوند که رقیب ها و بدیل های زندگی خانوادگی مانند: زندگی با حیوانات،

ازدواج با هم جنس، زندگی مشترک بدون ازدواج و ... هم عرض خانواده شیوع پیدا کنند به گونه ای که جهان اجتماعی نتواند در برابر این اشکال از کیان خانواده و ارزش ها و هنجارهای آن دفاع کند، نهاد خانواده دچار بحران هویت می شود.

مرحله چهارم : (The Fourth Stage)

تحول فرهنگی : (Cultural Change) (تحول هویت جهان اجتماعی)

به تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می سازد و یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می کند؛ تحول فرهنگی می گویند. در شرایط تحول فرهنگی، تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می روند و بصورت تحولات هویتی در می آیند و جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می شود.



انواع تحولات فرهنگی :

الف) تحول فرهنگی مثبت : در شرایطی که یک فرهنگ باطل، گرفتار تزلزل، بحران و تحول شده و بسوی فرهنگ حق حرکت کند، تحول فرهنگی مثبت خواهد بود. مثال : تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی

ب) تحول فرهنگی منفی : در شرایطی که یک فرهنگ حق، اعتبار خود را ازدست داده و گرفتار تزلزل، بحران و تحول شده و بسوی فرهنگ باطل حرکت کند، تحول فرهنگی منفی خواهد بود. مثال : تحول جامعه نبوی به جامعه اموی

علل تحولات فرهنگی :

۱) علل درونی : علل درونی به دو عامل مربوط می شود:

الف) ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی

ب) کاستی ها و بن بست های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی

کهولت و مرگ جهان اجتماعی : (Aging and Death of Social World)

اگر یک جهان اجتماعی با کاستی ها و بن بست های درونی مواجه شود، گرفتار کهولت و مرگ می شود. مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می دهد که؛ با وجود بکارگیری تمامی ظرفیت های خود، از پاسخگویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسانها باز می ماند.

پیامد کاستی و خلاء معنوی در جهان اجتماعی :

جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند. به پرسش های آنها درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش ها (راجع به معنای زندگی و مرگ) غفلت کند یا به پوچ انگاری برسد؛ نشاط زندگی را از دست می دهد و با انواع مختلف آسیب های اجتماعی مانند: یأس، ناامیدی و خودکشی افراد، مواجه می شود.

نمونه هایی از پیامد کاستی و خلاء معنوی در جهان اجتماعی برای افراد :

(پیدایش گروه هایی مانند مُرتاض ها و راهبه ها)

گرایش افراد به انزوا و فاصله گرفتن از اجتماع مانند: مُرتاض ها (سادوها) در هند و جاهای دیگر که بشدت به ریاضت و سختی دادن به خود می پردازند و یا مانند: راهبه ها (خواهران روحانی) در جوامع اروپایی و ... که داوطلبانه جامعه را ترک کرده و فقط به عبادت و تفکر در صومعه یا دیر می پردازند.. نمونه هایی از واکنش افراد در جوامعی است که دچار کاستی و خلاء معنوی بوده و نمی توانند پاسخگوی پرسش های افراد درباره معنای زندگی و مرگ باشد.

واکنش دانشمندان و متفکران اجتماعی به کاستی و خلاء معنوی در جهان اجتماعی :

کاستی و خلاء معنوی دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره بنیان های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی جهان اجتماعی، تشویق می کند

.....

برای مطالعه :

پوچ انگاری / پوچ گرایی (نیپیلیسم): (Nihilism) (به انکار معنا برای زندگی انسان یا ناتوان دانستن انسان در یافتن معنای زندگی اشاره دارد)، به عبارت دیگر؛ پوچ انگاری (نیپیلیسم): یعنی : زندگی را سراسر بی معنا، بی ارزش و مُزخرف دانستن / یعنی : بدبین بودن به زندگی و باورها و ارزش های آنرا، ساختگی، مضحک، شرورانه و بوالهوسانه دانستن / صادق هدایت؛ نایفه داستان نویسی مدرن ایرانی ، با گرایش های نیپیلیستی خود، معتقد بود: زندگی یک قصه ابلهانه و مضحک است

نهادهای اجتماعی : رویه ها و روال های خدشه ناپذیر و مستحکمی هستند که شیوه های قابل قبول رفع نیازهای اساسی جامعه و افراد جامعه را تعیین می کنند. (نهادهای اجتماعی، بر اساس باورها و ارزش های اجتماعی (هویت فرهنگی) شکل گرفته و در اصل، ضمانت های اجرایی باورها و ارزش های اجتماعی (هویت فرهنگی) هستند).

توضیح در مورد کارکرد نهادها : کارکرد نهادها در جامعه همانند کارکرد قلب در بدن انسان است.. همانگونه که کارکرد قلب در بدن، پمپاژ خون به اندام های مختلف است. کارکرد نهادها نیز در جامعه، پمپاژ باورها و ارزش ها به بخش های مختلف جامعه است.. در هر جامعه ۵ نهاد اصلی وجود دارد که عبارتند از : نهاد خانواده / آموزش و پرورش / اقتصاد / سیاست / دین. بعنوان نمونه: نهاد سیاست وظیفه دارد باورها و ارزش های اجتماعی را در عرصه سیاست جاری سازد و شیوه های قابل قبول کسب قدرت، حفظ قدرت و انتقال قدرت را تعیین کند.